

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## قره‌باغ در گذار از منازعه:

### حقوق بین‌الملل و نظم پایدار

شمیم ماه‌پوری<sup>۱</sup>

مریم افشاری<sup>۲</sup>

#### چکیده

منازعه قره‌باغ، مسئله تعارض میان اصل تمامیت ارضی و حق تعیین سرنوشت را در چارچوب حقوق بین‌الملل مطرح می‌سازد. این پژوهش با روش اسنادی مبتنی بر اسناد الزام‌آور بین‌المللی و گزارش‌های سازمان ملل و با بهره‌گیری تطبیقی از الگوهای چون آلاند، دیتون و ایرلند شمالی، در پی ارائه چارچوبی حقوقی برای تحقق عدالت انتقالی، جبران خسارات و حمایت از حقوق اقلیت‌ها است. یافته‌ها نشان می‌دهد برقراری تعادل میان حاکمیت جمهوری آذربایجان و حمایت از جوامع آسیب‌دیده، از طریق نظارت بین‌المللی و همکاری منطقه‌ای، شرط تحقق صلح پایدار است. در نهایت، استقرار نظام حقوقی باثبات در منطقه، مستلزم تعهد سیاسی طرفین و پشتیبانی جامعه جهانی است.

#### ▪ واژگان کلیدی:

منازعه قره‌باغ، تمامیت ارضی، حق تعیین سرنوشت، عدالت انتقالی، حقوق اقلیت‌ها، صلح پایدار.

---

درجه مقاله: علمی - پژوهشی

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۷/۱۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۴/۰۳/۱۰

<sup>۱</sup> دانشجوی دکترا، گروه حقوق بین‌الملل عمومی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی تهران، تهران، جمهوری اسلامی

ایران. mahpouri.shamim@gmail.com

<sup>۲</sup> نویسنده مسئول، گروه حقوق، واحد دماوند، دانشگاه آزاد اسلامی، دماوند، جمهوری اسلامی ایران.

Maryam.afshari@iau.ac.ir

## مقدمه

منازعه ناگورنو-قره‌باغ، با ریشه‌های عمیق در تنش‌های قومی و سرزمینی، از اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی و پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی به یکی از پیچیده‌ترین مناقشات قفقاز جنوبی تبدیل شده است. این مناقشه که میان جمهوری آذربایجان و جامعه ارمنی منطقه بر سر تمامیت ارضی و حق تعیین سرنوشت شکل گرفته، با درگیری‌های مسلحانه در سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۴ میلادی، جنگ سال ۲۰۲۰ میلادی و عملیات نظامی در ماه سپتامبر سال ۲۰۲۳ میلادی که به تسلط کامل جمهوری آذربایجان و انحلال رسمی جمهوری خودخوانده آرتساخ منجر شد، وارد مرحله‌ای نوین شده است. تعارض میان اصل تمامیت ارضی، مندرج در ماده ۲(۴) منشور سازمان ملل متحد که حاکمیت کشورها بر قلمرو خود را تضمین می‌کند و حق تعیین سرنوشت، مورد تأکید حقوق بین‌الملل که به ملت‌ها اجازه تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی می‌دهد، چالش‌های حقوقی فزاینده‌ای را در دوران پس از جنگ پدید آورده است. این چالش‌ها شامل آوارگی بیش از ۱۰۰ هزار ارمنی، نقض ادعایی حقوق بشر از جمله تخریب اماکن فرهنگی، محاصره اقتصادی سال‌های ۲۰۲۲-۲۰۲۳ میلادی و دعاوی در حال بررسی در دیوان بین‌المللی دادگستری است. جمهوری آذربایجان با استناد به قطعنامه‌های شورای امنیت کنترل منطقه را حق قانونی خود می‌داند و اشغال مناطقی توسط نیروهای ارمنی در سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۴ میلادی را محکوم می‌کند. در مقابل، ارمنه قره‌باغ با تأکید بر حق تعیین سرنوشت و استناد به خشونت‌های قومی گذشته، خواستار خودمختاری یا استقلال بوده‌اند.

این پژوهش با بهره‌گیری از روش‌های اسنادی، مبتنی بر اسناد بین‌المللی نظیر قطعنامه‌های شورای امنیت، گزارش‌های سازمان ملل متحد و اسناد دیوان بین‌المللی دادگستری و روش تطبیقی که الگوهای حقوقی موفق مانند توافق‌های آلاند، دیتون، و ایرلند شمالی را تحلیل می‌کند، انجام می‌شود. هدف اصلی، تدوین چارچوبی حقوقی برای تحقق عدالت انتقالی، جبران خسارات مادی و روانی و صلح پایدار است که تعادل میان حاکمیت ملی جمهوری آذربایجان و حقوق جوامع آسیب‌دیده، به‌ویژه اقلیت‌های ارمنی را تضمین کند. پرسش‌های محوری این مطالعه عبارت‌اند از: چگونه می‌توان تعارض میان تمامیت ارضی و حق تعیین سرنوشت را در چارچوب حقوق بین‌الملل مدیریت کرد؟ چه راهکارهای نوآورانه‌ای، از جمله مکانیزم‌های نظارت بین‌المللی و بازسازی اجتماعی، می‌توانند به صلح پایدار در منطقه منجر شوند؟

تحولات اخیر، از جمله عملیات نظامی سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی که به انحلال آرتساخ و آوارگی گسترده انجامید و تسلط کامل جمهوری آذربایجان بر قره‌باغ تا ماه می ۲۰۲۵ میلادی، همراه با

برنامه‌های بازسازی زیرساختی مانند افتتاح فرودگاه لاجین و احیای مسیرهای ارتباطی، ابعاد جدیدی به مناقشه افزوده است. از یک سو، جمهوری آذربایجان این اقدامات را در راستای احیای تمامیت ارضی، اسکان آوارگان آذری و توسعه اقتصادی منطقه توجیه می‌کند؛ از سوی دیگر، ارمنستان عملیات ۲۰۲۳ میلادی، محاصره اقتصادی پیشین، و محدودیت‌های دسترسی بشردوستانه را به‌عنوان نقض حقوق بشر و پاک‌سازی قومی محکوم کرده و پرونده‌هایی تحت کنوانسیون محو تبعیض نژادی (ICERD, 1965) در دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح کرده است.

ساختار مقاله شامل بررسی پیشینه تاریخی منازعه با تمرکز بر تحولات کلان، تحلیل اصول حقوقی مربوطه با تأکید بر تعارضات تاریخی و معاصر، ارزیابی وضعیت حقوقی آرتساخ پیش‌و‌پس از انحلال، بررسی نقض‌های حقوق بشردوستانه از جمله تخریب زیرساخت‌ها، محاصره انسانی، و تأثیرات روانی بر غیرنظامیان، و ارائه راهکارهای عملی شامل ایجاد نهادهای نظارتی منطقه‌ای و برنامه‌های بازسازی اجتماعی خواهد بود. این پژوهش نه تنها به حل منازعه قره‌باغ می‌پردازد، بلکه با ارائه الگویی برای مدیریت مناقشات قومی - سرزمینی مشابه، به محدودیت‌های حقوق بین‌الملل در حفاظت از حقوق اقلیت‌ها و تضمین عدالت انتقالی پاسخ می‌دهد. موفقیت این راهکارها به همکاری پایدار طرفین، حمایت قاطع جامعه جهانی، و اجرای دقیق اصول حقوقی بستگی دارد.

**چارچوب نظری.** منازعه قره‌باغ، منازعه چندوجهی در قفقاز جنوبی، با تحولات اخیر شامل عملیات نظامی سال ۲۰۲۳ میلادی، انحلال آرتساخ در سال ۲۰۲۴ میلادی و تسلط کامل جمهوری آذربایجان تا ماه می سال ۲۰۲۵ میلادی، چالش‌های حقوقی، انسانی و اجتماعی پیچیده‌ای نظیر آوارگی، نقض حقوق بشر و نیاز به بازسازی اجتماعی ایجاد کرده است. این چارچوب نظری، با ادغام رویکردهای روابط بین‌الملل، حقوق بین‌الملل و حل منازعات، پویایی‌های منازعه را تبیین می‌کند تا مبنایی علمی برای تحلیل حقوقی چالش‌های پساجنگ فراهم آورد.

واقع‌گرایی، با تأکید بر قدرت و منافع ملی، تسلط نظامی جمهوری آذربایجان را در راستای اصل تمامیت ارضی ماده ۲(۴) منشور سازمان ملل و قطعنامه‌های شورای امنیت تحلیل می‌کند. میانجی‌گری روسیه در توافق سال ۲۰۲۰ میلادی و ناکامی گروه مینسک، تأثیر رقابت‌های سیاسی را نشان می‌دهد (Cassese, 2005; International Crisis Group, 2023).

ساختارگرایی، با تمرکز بر هویت، ریشه‌های قومی منازعه را روشن می‌سازد، جایی که هویت‌های متضاد ارامنه و آذری‌ها، تشدیدشده با خشونت‌های دهه ۱۹۸۰ میلادی و آوارگی ۲۰۲۳ میلادی، بی‌اعتمادی عمیقی ایجاد کرده است.

حقوق بین‌الملل عمومی، تعارض میان تمامیت ارضی و حق تعیین سرنوشت، ماده ۱ منشور و قطعنامه ۲۶۲۵ سازمان ملل مصوب سال ۱۹۷۰ میلادی را تحلیل می‌کند. فقدان شناسایی آرتساخ و قطعنامه‌های ۱۹۹۳ میلادی، جدایی‌طلبی را تضعیف کرده، مشابه رأی کوزوو. (ICJ, 2010) دعای جاری تحت کنوانسیون محو تبعیض نژادی مصوب سال ۱۹۶۵ میلادی و کنوانسیون‌های ژنو، نقض‌های حقوق بشر و بشردوستانه را بررسی می‌کنند (ICJ, 2023). تئوری نیازهای انسانی، علل ریشه‌ای مانند آوارگی را تبیین می‌کند (Kälän, 2011) و عدالت انتقالی، با تأکید بر پاسخگویی و حقوق اقلیت‌ها، بازسازی اجتماعی را تحلیل می‌کند.

مطالعات تطبیقی، مانند توافق آاند و ایرلند شمالی، الگوهای نهادی ارائه می‌دهند (Barros, 1968).

این چارچوب، با تلفیق واقع‌گرایی، ساختارگرایی، حقوق بین‌الملل، نیازهای انسانی، عدالت انتقالی، و مطالعات تطبیقی، تحلیلی جامع از منازعه قره‌باغ ارائه می‌دهد و مبنایی برای تحلیل چالش‌های پساجنگ فراهم می‌کند.

**پیشینه پژوهش.** منازعه ناگورنو-قره‌باغ، با ریشه در تنش‌های قومی-سرزمینی و تعارض میان اصول تمامیت ارضی و حق تعیین سرنوشت، از دهه ۱۹۸۰ میلادی به یکی از پیچیده‌ترین مناقشات قفقاز جنوبی بدل شده است. این منازعه، که با جنگ‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۴، ۲۰۲۰ میلادی و عملیات ۲۰۲۳ میلادی که به انحلال آرتساخ منجر شد، ابعاد حقوقی و بشردوستانه جدیدی یافته، موضوع مطالعات متعددی بوده است. در ادامه، چهار مقاله علمی مرتبط بررسی و نقد می‌شوند تا نقاط قوت، ضعف‌ها و خلأهای پژوهشی مشخص شده و جایگاه پژوهش حاضر روشن شود.

بصیری‌نیا و صباغ‌زاده در مقاله‌ای جنگ ۲۰۲۰ میلادی را از منظر سیاسی، نظامی و حقوقی تحلیل کرده و با استناد به قطعنامه‌های شورای امنیت (UNSC Res. 822, 853, 874, 884, 1993)، پیامدهای آن بر منازعه را بررسی می‌کنند.<sup>۱</sup> نقطه قوت مقاله، تحلیل دقیق حقوقی جنگ ۲۰۲۰ میلادی و ارجاع به اسناد بین‌المللی است، اما عدم پوشش تحولات پس از سال ۲۰۲۳ میلادی، مانند انحلال آرتساخ، و فقدان بررسی تطبیقی با الگوهای جهانی، آن را محدود کرده است. این مطالعه برای درک زمینه حقوقی جنگ ۲۰۲۰ میلادی ارزشمند است، اما برای تحلیل دوران پساجنگ ناکافی است.

<sup>۱</sup> بصیری‌نیا، علی؛ صباغ‌زاده، امین (۱۴۰۲). «جنگ ۲۰۲۰ جمهوری آذربایجان-ارمنستان و حل مناقشه منجمد ناگورنو-قره‌باغ». فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، ۲۱(۸۱)، ۱-۲۴.

بهشتی‌پور در مقاله‌ای تاریخ منازعه، وضعیت تا سال ۲۰۲۰ میلادی، و چشم‌اندازهای آینده را بررسی کرده و بر جنبه‌های سیاسی و اجتماعی تمرکز دارد.<sup>۱</sup> چارچوب تاریخی جامع و تحلیل آینده‌نگری آن نقاط قوت برجسته‌ای هستند، اما عدم توجه به اصول حقوقی، مانند تمامیت ارضی یا حق تعیین سرنوشت و پوشش محدود نقض‌های حقوق بشر دوستانه، از ضعف‌های آن است. این اثر برای فهم زمینه تاریخی مفید است اما در تحلیل حقوقی پسا‌جنگ کاربرد محدودی دارد.

رز کوشاوا در مقاله‌ای تأثیر منازعه قره‌باغ بر حقوق بین‌الملل را با تمرکز بر تعارض میان اصول تمامیت ارضی و حق تعیین سرنوشت بررسی می‌کند.<sup>۲</sup> نویسنده با استناد به اسناد بین‌المللی مانند منشور سازمان ملل (ماده ۲(۴)) و رأی مشورتی دیوان بین‌المللی دادگستری درباره کوزوو، به تحلیل حقوقی منازعه می‌پردازد. نقطه قوت این پژوهش، چارچوب حقوقی قوی و ارجاعات دقیق به اسناد و آرای بین‌المللی است که درک تعارض میان اصول حقوقی را تسهیل می‌کند. با این حال، این مقاله به تحولات پس از سال ۲۰۲۰ میلادی، به‌ویژه عملیات نظامی سال ۲۰۲۳ میلادی و انحلال آرتساخ، توجه ندارد و از این رو برای تحلیل وضعیت کنونی ناکافی است. همچنین، فقدان تحلیل عمیق درباره مسائل پس از جنگ مانند آوارگی گسترده، بازسازی منطقه و عدالت انتقالی، کاربرد آن را محدود کرده است. این مطالعه برای درک جنبه‌های حقوقی منازعه تا سال ۲۰۲۰ میلادی مفید است، اما برای پوشش تحولات اخیر و ارائه راهکارهای عملی نیازمند به‌روزرسانی است.

انستیتو لیبر در مقاله‌ای<sup>۳</sup> تحولات حقوقی منازعه قره‌باغ را تا سال ۲۰۲۳ میلادی بررسی کرده و به‌ویژه بر عملیات نظامی ۲۰۲۳ میلادی، انحلال آرتساخ و آوارگی بیش از ۱۰۰,۰۰۰ ارمنی تمرکز دارد. این پژوهش با تحلیل دعاوی حقوقی جاری در دیوان بین‌المللی دادگستری تحت کنوانسیون محو تبعیض نژادی و نقض‌های احتمالی حقوق بشر دوستانه، مانند محاصره کریدور لاجین، چارچوبی به‌روز ارائه می‌دهد. نقطه قوت این مقاله، تحلیل دقیق و به‌روز تحولات اخیر و تأکید بر پیامدهای حقوقی آوارگی و نقض‌های حقوق بشر است. با این حال، این مطالعه کمتر به راهکارهای عملی برای صلح پایدار، مانند مدل‌های تطبیقی آلمان، دیتون یا ایرلند شمالی یا مکانیسم‌های عدالت انتقالی، پرداخته و تمرکز آن بیشتر بر جنبه‌های حقوقی نقض‌ها است تا ارائه راه‌حل‌های بازسازی اجتماعی و منطقه‌ای. این اثر برای تحلیل حقوقی تحولات پس از سال ۲۰۲۰ میلادی ارزشمند است، اما برای ارائه چارچوبی جامع برای صلح پایدار نیاز به تکمیل دارد.

<sup>۱</sup> بهشتی‌پور، حسن (۱۳۹۹). «جنگ قره‌باغ؛ گذشته، حال، آینده». مطالعات سیاست خارجی تهران، ۱۰(۳۷)، ۱-۲۴.

<sup>۲</sup> Rozkošová, Z. (2021). "The Nagorno-Karabakh Conflict and Its Impact on International Law." *Almanach (Actual Issues in World Economics and Politics)*, 10(1), 32-43.

<sup>۳</sup> Lieber Institute (2023). "Evolving Nagorno-Karabakh Conflict: An International Law Perspective (Part II)." Lieber Institute for Law & Land Warfare, West Point.

## پیشینه تاریخی منازعه قره‌باغ

پمنازعه ناگورنو - قره‌باغ، یکی از پیچیده‌ترین منازعات قومی - سرزمینی قفقاز جنوبی، ریشه در تحولات تاریخی، سیاسی و جمعیتی منطقه دارد که از قرن‌ها پیش شکل گرفته‌اند. این منازعه که میان ارمنه و آذری‌ها در منطقه کوهستانی قره‌باغ و اطراف آن جریان دارد، نتیجه ترکیبی از عوامل قومی، مذهبی و سیاست‌های استعماری است که در دوره‌های مختلف تشدید شده‌اند. منطقه قره‌باغ، واقع در قفقاز جنوبی، از نظر جغرافیایی و فرهنگی همواره نقطه تلاقی تمدن‌های مختلف بوده است. در دوره صفوی قرن‌های ۱۶ و ۱۷ میلادی، قره‌باغ جمعیتی مختلط از ارمنه مسیحی، آذری‌های مسلمان و دیگر اقوام داشت و تحت حاکمیت خان‌نشین‌های محلی اداره می‌شد. ارمنه در مناطق کوهستانی و آذری‌ها عمدتاً در دشت‌ها ساکن بودند و روابط میان این جوامع عمدتاً مسالمت‌آمیز بود.

در اوایل قرن نوزدهم، معاهدات گلستان و ترکمانچای میان ایران و امپراطوری روسیه، قره‌باغ را به روسیه ملحق کرد. این معاهدات سیاست‌های مهاجرتی روسیه ترکیب جمعیتی قره‌باغ را تغییر داد. (فیض‌اللهی و پوراحمدی میبیدی، ۱۴۰۲: ۷۵) با انقلاب بلشویکی<sup>۱</sup> و تأسیس اتحاد جماهیر شوروی، قره‌باغ وارد مرحله جدیدی از تاریخ خود شد. در سال ۱۹۲۳ میلادی، به تصمیم مقامات شوروی و تحت تأثیر سیاست‌های استالین، ناگورنو - قره‌باغ به‌عنوان یک ناحیه خودمختار تحت حاکمیت جمهوری سوسیالیستی آذربایجان قرار گرفت، باوجود اینکه اکثریت جمعیت آن را ارمنه تشکیل می‌دادند (De Waal, 2010: 18-20). این تصمیم، نارضایتی عمیقی در میان ارمنه قره‌باغ ایجاد کرد. آن‌ها معتقد بودند که این الحاق به نادیده‌گرفتن هویت قومی و فرهنگی‌شان منجر شده و احساس تبعیض را در آن‌ها تقویت کرد (Lynch, 2004: 21-23). در طول دوره شوروی، ارمنه قره‌باغ از تبعیض اقتصادی و فرهنگی شکایت داشتند، در حالی که آذری‌ها معتقد بودند ارمنه به دنبال جدایی‌طلبی هستند (Cornell, 2001: 27-29).

در فوریه ۱۹۸۸ میلادی، پارلمان محلی ناگورنو - قره‌باغ قطعنامه‌ای برای الحاق به جمهوری سوسیالیستی ارمنستان تصویب کرد، که واکنش شدید مقامات آذربایجانی و خشونت‌های قومی را در پی داشت. خشونت‌های قومی در شهرهای سومقاییت<sup>۲</sup> و باکو<sup>۳</sup> که به کشته شدن ده‌ها نفر و آوارگی صدها نفر منجر شد، شکاف میان جوامع ارمنی و آذری را عمیق‌تر کرد. این حوادث، که هر دو طرف یکدیگر را به تحریک و سازمان‌دهی آن متهم کردند، به افزایش بی‌اعتمادی و قطبی شدن منطقه

<sup>۱</sup>. Russian Revolution

<sup>۲</sup>. Sumqayit

<sup>۳</sup>. Baku

انجامید. ارامنه این خشونت‌ها را دلیلی برای مطالبات استقلال طلبانه خود دانستند، در حالی که آذری‌ها آن‌ها را نشانه‌ای از تهدید علیه تمامیت ارضی خود تلقی کردند (Crawford, 2006: 114-117). با فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال ۱۹۹۱ میلادی، منازعه قره‌باغ وارد فاز جدیدی شد. ارامنه قره‌باغ در سپتامبر ۱۹۹۱ میلادی جمهوری آرتساخ<sup>۱</sup> را اعلام کردند، اقدامی که توسط هیچ دولت عضو سازمان ملل، حتی ارمنستان، به رسمیت شناخته نشد (Caspersen, 2012: 34-36). این اعلام استقلال به جنگ تمام‌عیار در سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۴ میلادی میان نیروهای ارمنی و آذربایجانی منجر شد. جنگ اول قره‌باغ با اشغال حدود ۲۰ درصد از خاک جمهوری آذربایجان، شامل ناگورنو-قره‌باغ و هفت منطقه اطراف آن، توسط نیروهای ارمنی پایان یافت. این درگیری‌ها حدود ۳۰,۰۰۰ کشته و بیش از یک میلیون آواره، شامل ۷۰۰,۰۰۰ آذری و ۴۰۰,۰۰۰ ارمنی، برجای گذاشت (International Crisis Group, 2021: 3-5).

آتش‌بس بیشکک<sup>۲</sup> در سال ۱۹۹۴ میلادی که با میانجی‌گری روسیه امضا شد، درگیری‌های نظامی را متوقف کرد، اما راه‌حل سیاسی پایداری ارائه نکرد. (بهشتی‌پور، ۱۳۹۹: ۱۱۶)، گروه مینسک، متشکل از ایالات متحده، روسیه، و فرانسه، از سال ۱۹۹۲ میلادی مسئولیت میانجی‌گری را بر عهده گرفت، اما مذاکرات به دلیل اختلافات عمیق میان طرفین پیشرفت محدودی داشت. ارمنستان و ارامنه قره‌باغ بر خودمختاری یا استقلال تأکید داشتند، در حالی که جمهوری آذربایجان خواستار بازگرداندن کامل حاکمیت خود بر منطقه بود (Crawford, 2006: 114-126). تنش‌ها در دهه‌های ۲۰۰۰ و ۲۰۱۰ میلادی ادامه یافت و درگیری‌های پراکنده‌ای در خط تماس رخ داد. در ماه سپتامبر ۲۰۲۰ میلادی، جنگ دوم قره‌باغ با تهاجم نظامی جمهوری آذربایجان برای بازپس‌گیری مناطق اشغالی آغاز شد. این جنگ که ۴۴ روز طول کشید، با استفاده گسترده از فناوری‌های نظامی، از جمله پهپادهای پیشرفته و حمایت ترکیه از جمهوری آذربایجان همراه بود (ICG, 2021: 7-9). نیروهای آذربایجانی بخش‌های قابل توجهی از مناطق اطراف قره‌باغ و بخش‌هایی از خود منطقه را بازپس گرفتند. توافق آتش‌بس ۹ نوامبر ۲۰۲۰ میلادی که با میانجی‌گری روسیه امضا شد، به درگیری‌ها پایان داد و حضور ۲۰۰۰ نیروی حافظ صلح روس را تا سال ۲۰۲۵ میلادی تضمین کرد (موحدی ساوجی و لسانی، ۱۴۰۲: ۱۶۴). این توافق همچنین بازگشت مناطق باقی‌مانده اطراف قره‌باغ به جمهوری آذربایجان و ایجاد کریدور لاجین برای ارتباط ارمنستان با قره‌باغ را مقرر کرد (ICG, 2021: 7-9). با وجود آتش‌بس، تنش‌ها ادامه یافت. در ماه

<sup>1</sup>. Republic of Artsakh

<sup>2</sup>. Bishkek Protocol

دسامبر ۲۰۲۲ میلادی، محاصره کریدور لاجین<sup>۱</sup> توسط فعالان آذربایجانی که دسترسی آرامنه قره‌باغ به غذا، دارو و سوخت را محدود کرد، به بحران انسانی منجر شد. در سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی، جمهوری آذربایجان عملیاتی نظامی یک‌روزه با عنوان اقدامات ضدتروریستی انجام داد که به کنترل کامل ناگورنو - قره‌باغ و انحلال رسمی آرتساخ در ژانویه ۲۰۲۴ میلادی منجر شد. این عملیات که با آوارگی بیش از ۱۰۰,۰۰۰ ارمنی به ارمنستان همراه بود، واکنش‌های متفاوتی را برانگیخت. ارمنستان آن را پاک‌سازی قومی<sup>۲</sup> نامید، در حالی که جمهوری آذربایجان مدعی خروج داوطلبانه آرامنه شد (ICG, 2023: 8-10).

پیشینه تاریخی منازعه قره‌باغ نشان‌دهنده تأثیر عمیق سیاست‌های استعماری، بر شکل‌گیری تنش‌های قومی است. در دوره شوروی، سرکوب مطالبات قومی از درگیری‌های آشکار جلوگیری کرد، اما اصلاحات دهه ۱۹۸۰ میلادی و فروپاشی ۱۹۹۱ میلادی فضایی برای بروز خشونت‌های قومی فراهم کرد. جنگ‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۴ و ۲۰۲۰ میلادی، همراه با عملیات ۲۰۲۳ میلادی، نشان‌دهنده ناکامی تلاش‌های دیپلماتیک برای حل منازعه هستند. این تحولات پیامدهای عمیقی برای حقوق بین‌الملل و صلح منطقه‌ای دارند. آوارگی گسترده، نقض‌های احتمالی حقوق بشر و تخریب اماکن فرهنگی ضرورت تحلیل حقوقی دقیق را برجسته می‌کند (UNHCHR, 2021: 12-16). در عین حال، تسلط کامل جمهوری آذربایجان بر قره‌باغ تا ماه می ۲۰۲۵ میلادی و برنامه‌های بازسازی، از جمله اسکان آوارگان آذری، چشم‌انداز جدیدی برای منطقه ایجاد کرده است. با این حال، مسائل حل‌نشده، از جمله دعاوی حقوقی در دیوان بین‌المللی دادگستری و وضعیت آوارگان ارمنی، همچنان چالش‌هایی برای صلح پایدار هستند (ICJ, 2023).

### اصول بنیادین حقوق بین‌الملل و منازعه قره‌باغ

منازعه ناگورنو - قره‌باغ نمونه‌ای برجسته از تعارض میان اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، شامل تمامیت ارضی، حق تعیین سرنوشت و ممنوعیت توسل به زور است. این اصول که در منشور سازمان ملل متحد و اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل (UNGA Res. 2625, 1970) تدوین شده‌اند، چارچوبی برای تحلیل حقوقی این منازعه فراهم می‌کنند (Cassese, 2005: 59-62). با تحولات اخیر، به‌ویژه عملیات نظامی سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی، انحلال جمهوری خودخوانده آرتساخ در ژانویه ۲۰۲۴ میلادی و تسلط کامل جمهوری آذربایجان بر قره‌باغ تا ماه می ۲۰۲۵ میلادی، این منازعه از یک درگیری جدایی‌طلبانه به مسئله‌ای با محوریت حقوق بشر، آوارگی و بازسازی منطقه تبدیل

<sup>۱</sup>. Lachin corridor

<sup>۲</sup>. ethnic cleansing

شده است (ICG, 2023: 8-10). این بخش اصول حقوقی مزبور را در چارچوب منازعه بررسی کرده و با تمرکز بر وضعیت کنونی، با رعایت بی‌طرفی و استناد به منابع معتبر، چالش‌ها و فرصت‌های حقوقی برای صلح پایدار را تحلیل می‌کند.

اصل تمامیت ارضی<sup>۱</sup>: اصل تمامیت ارضی، مندرج در ماده ۲(۴) منشور سازمان ملل، کشورها را از نقض حاکمیت یا مرزهای یکدیگر از طریق توسل به زور منع می‌کند (ضیایی بیگدلی، ۱۳۹۹: ۴۵-۴۶). این اصل در منازعه قره‌باغ جایگاه محوری دارد، زیرا جمهوری آذربایجان<sup>۲</sup> ناگورنو-قره‌باغ را بخشی جدایی‌ناپذیر از خاک خود می‌داند. قطعنامه‌های شورای امنیت بر حفظ تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان تأکید کرده و اشغال مناطق این کشور توسط نیروهای ارمنی در جنگ را محکوم نمودند (United Nations Security Council, 1993). برای مثال، قطعنامه ۸۲۲ (۱۹۹۳ م.) خواستار خروج فوری نیروهای اشغالگر از شهر کلبجر شد، که نشان‌دهنده حمایت جامعه جهانی از حاکمیت جمهوری آذربایجان است. در جنگ اول قره‌باغ، اشغال حدود ۲۰ درصد از خاک جمهوری آذربایجان، شامل قره‌باغ و هفت منطقه اطراف، نقض آشکار اصل تمامیت ارضی بود (Crawford, 2006: 114-117). این اشغال تا جنگ دوم قره‌باغ ادامه یافت، زمانی که جمهوری آذربایجان با استناد به حق دفاع مشروع، بخش‌های قابل توجهی از اراضی اشغالی را بازپس گرفت (ICG, 2021: 7-9). عملیات نظامی یک‌روزه ۲۰۲۳ میلادی که به کنترل کامل قره‌باغ توسط باکو منجر شد، نیز در چارچوب احیای تمامیت ارضی توجیه شد. گزارش‌های سازمان ملل تأیید می‌کنند که تا ماه می ۲۰۲۵ میلادی، جمهوری آذربایجان حاکمیت خود را بر کل منطقه تثبیت کرده و برنامه‌های بازسازی، از جمله اسکان آوارگان آذری و افتتاح زیرساخت‌هایی مانند فرودگاه لاپچین، را آغاز کرده است.

با این حال، استفاده از نیروی نظامی در ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ میلادی پرسش‌هایی درباره رعایت اصل تناسب و ضرورت در حقوق بین‌الملل ایجاد کرده است. ماده ۵۱ منشور سازمان ملل دفاع مشروع را مجاز می‌داند اما این اقدامات باید متناسب و محدود به اهداف مشروع باشند (ICRC, 2016: 23-25). حملات به مناطق غیرنظامی، مانند استپاناکرت<sup>۳</sup> در ۲۰۲۰ میلادی، که به کشته شدن غیرنظامیان منجر شد، نیازمند بررسی حقوقی دقیق‌تر است. با این وجود، فقدان شواهد کافی در گزارش‌های بین‌المللی درباره نقض سیستماتیک حقوق بشردوستانه<sup>۴</sup> توسط جمهوری آذربایجان، این اقدامات را از منظر تمامیت ارضی توجیه‌پذیر نشان می‌دهد (UNHCHR, 2021: 12-16).

1. Territorial integrity

2. Azerbaijan

3. Stepanakert

4. humanitarian rights

اصل حق تعیین سرنوشت<sup>۱</sup>: اصل حق تعیین سرنوشت، مندرج در ماده ۱ منشور سازمان ملل و اعلامیه اصول حقوق بین‌الملل (UNGA Res. 2625, 1970)، به ملت‌ها اجازه می‌دهد سرنوشت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی خود را تعیین کنند (Cassese, 2005: 59-63). ارامنه قره‌باغ با استناد به این اصل، اعلام استقلال جمهوری آرتساخ در سال ۱۹۹۱ میلادی را مشروع دانسته و خواستار خودمختاری یا الحاق به ارمنستان بودند (Kälin, 2011: 56-58). آن‌ها استدلال می‌کردند که تاریخچه تبعیض و خشونت‌های قومی، مانند حوادث سومقاییت و باکو، این حق را توجیه می‌کند. با این حال، حقوق بین‌الملل کاربرد این اصل را در جدایی‌طلبی داخلی محدود کرده است. دیوان بین‌المللی دادگستری (ICJ) در رأی مشورتی کوزوو اعلام کرد که حق تعیین سرنوشت در موارد جدایی‌طلبی تنها در شرایط نقض گسترده و سیستماتیک حقوق بشر قابل اعمال است (ICJ, 2010: para. 82). همچنین در مورد قره‌باغ، فقدان شناسایی بین‌المللی آرتساخ و تأکید جامعه جهانی بر تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان، مشروعیت حقوقی این ادعا را تضعیف کرد. گزارش کمیساری عالی حقوق بشر سازمان ملل در سال ۲۰۲۱ میلادی شواهد کافی برای سرکوب ارامنه پس از ۱۹۹۴ میلادی ارائه نکرد که ادعای جدایی‌طلبی را از منظر حقوقی دشوار می‌سازد (UNHCHR, 2021: 12-16). عملیات ۲۰۲۳ میلادی و آوارگی بیش از ۱۰۰,۰۰۰ ارمنی به ارمنستان، اگرچه به‌عنوان نقض احتمالی حقوق بشر مطرح شده، اما به دلیل خروج عمدتاً داوطلبانه ارامنه تحت فشار شرایط جنگی، به‌عنوان مبنایی برای حق تعیین سرنوشت در چارچوب جدایی‌طلبی پذیرفته نشده است (UN News, 2023). تا می ۲۰۲۵ میلادی، با انحلال آرتساخ و تسلط کامل جمهوری آذربایجان، بحث حق تعیین سرنوشت به جای استقلال، به مسئله حقوق اقلیت‌ها و خودمختاری محدود در چارچوب حاکمیت جمهوری آذربایجان تغییر جهت داده است. مدل‌هایی مانند توافق آلاند که خودمختاری فرهنگی و سیاسی را در چارچوب حاکمیت فنلاند تضمین کرد، می‌توانند الگویی برای حل این تعارض باشند (Barros, 1968: 67-69).

اصل حق تعیین سرنوشت در دو شکل متمایز ظاهر می‌شود، حق تعیین سرنوشت داخلی، که به خودمختاری فرهنگی، زبانی یا سیاسی در چارچوب دولت موجود اشاره دارد و با اصل تمامیت ارضی (ماده ۲(۴) منشور سازمان ملل) سازگار است و حق تعیین سرنوشت خارجی، که شامل جدایی کامل و تشکیل دولت مستقل یا الحاق به دولت دیگر بوده و تنها در شرایط استثنایی مانند استعمارزدایی یا سرکوب گسترده حقوق بشر مشروع است. نمونه موفق حق تعیین سرنوشت داخلی، خودمختاری جزایر آلاند در فنلاند است که در سال ۱۹۲۱ میلادی تحت نظارت جامعه ملل،

<sup>۱</sup>. self-determination

حقوق فرهنگی و سیاسی گسترده‌ای در چارچوب حاکمیت فنلاند دریافت کرد. در مقابل، دیوان بین‌المللی دادگستری در رأی مشورتی کوزوو اعلام کرد که جدایی یک‌جانبه تنها در صورت وجود سرکوب سیستماتیک و گسترده حقوق بشر ممکن است با حقوق بین‌الملل سازگار باشد، اما این امر به شواهد قوی و شناسایی بین‌المللی نیاز دارد (ICJ, 2010: para. 82-83). در منازعه ناگورنو-قره‌باغ، این تمایز برای تحلیل ادعاهای ارامنه و تعارض آن‌ها با تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان حیاتی است.

در منازعه قره‌باغ، ارامنه در اواخر دهه ۱۹۸۰ میلادی ابتدا خواستار خودمختاری داخلی در چارچوب اتحاد جماهیر شوروی یا جمهوری آذربایجان بودند، اما با تشدید خشونت‌های قومی در سومقاییت و باکو، این ادعا به سوی استقلال، حق تعیین سرنوشت خارجی و اعلام جمهوری آرتساخ در ۱۹۹۱ تغییر یافت (De Waal, 2010: 45-50). با این حال، فقدان شواهد کافی برای سرکوب سیستماتیک حقوق بشر، همان‌طور که گزارش‌های سازمان ملل نشان می‌دهند (UNHCHR, 2021: 12-16) و عدم شناسایی بین‌المللی آرتساخ توسط هیچ دولت عضو سازمان ملل، مشروعیت حقوقی این ادعا را تضعیف کرد. قطعنامه‌های ۸۲۲، ۸۵۳، ۸۷۴، ۸۸۴، ۱۹۹۳ شورای امنیت و رأی دیوان بین‌المللی دادگستری در پرونده ارمنستان علیه جمهوری آذربایجان بر تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان تأکید کرده و نشان دادند که جدایی آرتساخ با حقوق بین‌الملل سازگار نیست (UNSC, 1993; ICJ, 2023: para. 45). پس از جنگ دوم قره‌باغ و عملیات نظامی جمهوری آذربایجان در ماه سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی که به تسلط کامل بر منطقه و انحلال آرتساخ در ژانویه ۲۰۲۴ میلادی منجر شد (International Crisis Group, 2023: 10-12)، ادعاهای ارامنه از استقلال به سوی خودمختاری محدود، مانند حقوق فرهنگی و زبانی در چارچوب حاکمیت جمهوری آذربایجان، تغییر جهت داده است (UNHCHR, 2023: 8-12). این تحول نشان می‌دهد که حق تعیین سرنوشت داخلی، به دلیل سازگاری با تمامیت ارضی، در شرایط کنونی از منظر حقوقی کاربرد بیشتری دارد.

اصل ممنوعیت توسل به زور<sup>۱</sup> ماده ۲(۴) منشور سازمان ملل هرگونه استفاده از زور برای حل اختلافات را ممنوع می‌کند، مگر در موارد دفاع مشروع یا با مجوز شورای امنیت (Shaw, 2021: 48-50). در منازعه قره‌باغ، اشغال ارضی جمهوری آذربایجان توسط نیروهای ارمنی در سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۴ میلادی نقض آشکار این اصل بود (Crawford, 2006: 114-117). در مقابل، عملیات نظامی جمهوری آذربایجان در سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۳ میلادی به‌عنوان دفاع مشروع توجیه شد، زیرا هدف آن

<sup>۱</sup>. the principle of non-recourse to forces

بازپس‌گیری اراضی اشغالی بود (ICG, 2021: 7-9). با این حال، حملات به مناطق غیرنظامی در هر دو جنگ، از جمله بمباران استپاناکرت توسط جمهوری آذربایجان و گنجه توسط ارمنستان در ۲۰۲۰ میلادی، پرسش‌هایی درباره رعایت حقوق بشردوستانه ایجاد کرد (ICRC, 2016: 23-25).

محاصره کریدور لاجین که دسترسی آرامنه به غذا، دارو و سوخت را محدود کرد، نیز به‌عنوان نقض احتمالی ماده ۵۴ پروتکل الحاقی اول کنوانسیون‌های ژنو مطرح شده است. با این حال، جمهوری آذربایجان این محاصره را اقدام غیرنظامی و مرتبط با فعالان محیط‌زیست دانست که پیچیدگی حقوقی موضوع را نشان می‌دهد. گزارش‌های سازمان ملل از سوءتغذیه و شرایط غیرانسانی حکایت دارند اما فقدان شواهد کافی برای اثبات قصد عمدی، این ادعا را از منظر حقوقی مبهم نگه داشته است (UNHCHR, 2023: 6-8). تا می ۲۰۲۵ میلادی، ناگورنو - قره‌باغ به طور کامل تحت کنترل جمهوری آذربایجان است و آرتساخ دیگر وجود ندارد. این تحولات، اصل تمامیت ارضی را در عمل تقویت کرده، اما چالش‌های حقوقی جدیدی ایجاد کرده است. دعاوی متقابل ارمنستان و جمهوری آذربایجان در دیوان بین‌المللی دادگستری تحت کنوانسیون محو تبعیض نژادی (ICERD, 1965) نشان‌دهنده ادامه اختلافات هستند. ارمنستان جمهوری آذربایجان را به پاک‌سازی قومی در سال ۲۰۲۳ میلادی متهم کرده، در حالی که جمهوری آذربایجان ارمنستان را به نقض حقوق آذری‌ها در دوره اشغال، متهم می‌کند (ICJ, 2023). جلسات استماع در اکتبر ۲۰۲۳ میلادی برگزار شد، اما تا می ۲۰۲۵ میلادی رأی نهایی صادر نشده است.

آوارگی بیش از ۱۰۰,۰۰۰ ارمنی در ۲۰۲۳ میلادی که گزارش‌های سازمان ملل آن را نتیجه فشارهای نظامی و محاصره اقتصادی می‌دانند، مسئله حقوق بشر<sup>۱</sup> را در کانون توجه قرار داده است (UN News, 2023). جمهوری آذربایجان امکان بازگشت آرامنه‌ای که شهروندی این کشور را بپذیرند فراهم کرده، اما فقدان حضور ارمنی در منطقه، چشم‌انداز بازگشت را کم‌رنگ کرده است (ICG, 2023: 10-12). این وضعیت، محدودیت‌های حقوق بین‌الملل در حفاظت از اقلیت‌ها در منازعات جدایی‌طلبانه را نشان می‌دهد. از سوی دیگر، برنامه‌های بازسازی جمهوری آذربایجان، از جمله اسکان آوارگان آذری و توسعه زیرساخت‌ها، با حق بازگشت همخوانی دارد. این اقدامات، اگرچه از منظر حقوقی مشروع هستند، نیازمند توجه به حقوق اقلیت‌های احتمالی و جلوگیری از تبعیض برای تضمین صلح پایدار هستند. تعارض میان تمامیت ارضی و حق تعیین سرنوشت، حل منازعه قره‌باغ را پیچیده کرده است. گروه مینسک از سال ۱۹۹۲ میلادی تلاش کرد این اصول را

<sup>۱</sup>. Human rights

متوازن کند، اما فقدان اجماع سیاسی مانع پیشرفت شد با وضعیت کنونی که در آن تمامیت ارضی غالب شده، چارچوبی حقوقی مبتنی بر خودمختاری محدود می‌تواند راهگشا باشد.

### وضعیت حقوقی جمهوری خودخوانده آرتساخ

جمهوری خودخوانده آرتساخ که در سال ۱۹۹۱ میلادی در منطقه ناگورنو - قره‌باغ اعلام استقلال کرد، تا پیش از انحلال رسمی‌اش در ژانویه ۲۰۲۴ میلادی، نمونه‌ای برجسته از چالش‌های حقوقی در منازعات قومی - سرزمینی بود. این نهاد که به‌عنوان یک دولت خودخوانده<sup>۱</sup> فعالیت می‌کرد، به دلیل فقدان شناسایی بین‌المللی و تعارض با اصل تمامیت ارضی جمهوری جمهوری آذربایجان، جایگاه حقوقی شکننده‌ای داشت (Caspersen, 2012: 34-36). عملیات نظامی یک‌روزه جمهوری آذربایجان در ۱۹ سپتامبر ۲۰۲۳ که پس از محاصره اقتصادی ۹ ماهه انجام شد، به آوارگی بیش از ۱۰۰,۰۰۰ ارمنی و پایان آرتساخ منجر شد. تا می ۲۰۲۵ میلادی، ناگورنو - قره‌باغ به طور کامل تحت کنترل جمهوری آذربایجان قرار دارد و این تحولات منازعه را از یک درگیری جدایی‌طلبانه به مسئله‌ای با محوریت حقوق بشر، آوارگی و بازسازی تبدیل کرده است. این بخش با تحلیل معیارهای دولت‌سازی در حقوق بین‌الملل، پیامدهای فقدان شناسایی، تأثیر تحولات ۲۰۲۳ میلادی، دعاوی حقوقی جاری، و وضعیت کنونی منطقه، به بررسی جایگاه حقوقی آرتساخ و چالش‌های حقوقی موجود می‌پردازد، با تأکید بر بی‌طرفی و تحلیل وضعیت کنونی.

معیارهای دولت‌سازی و جایگاه آرتساخ: کنوانسیون مونته‌ویدئو<sup>۲</sup> چهار معیار برای دولت‌سازی در حقوق بین‌الملل تعریف می‌کند: (۱) جمعیت دائمی، (۲) قلمرو مشخص، (۳) دولت مؤثر، و (۴) توانایی برقراری روابط بین‌المللی (Montevideo Convention, 1933, Art. 1). این معیارها مبنای ارزیابی جایگاه حقوقی آرتساخ هستند.

جمعیت دائمی: پیش از عملیات ۲۰۲۳ میلادی، آرتساخ حدود ۱۵۰,۰۰۰ نفر جمعیت، عمدتاً ارمنی‌تبار، داشت که از دوره شوروی در ناگورنو - قره‌باغ ساکن بودند (De Waal, 2010: 18-20) اما محاصره اقتصادی و عملیات نظامی سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی به آوارگی گسترده منجر شد. گزارش سازمان ملل در اکتبر ۲۰۲۳ میلادی تخمین زد که بیش از ۱۰۰,۰۰۰ ارمنی به ارمنستان مهاجرت کرده و تنها ۵۰ تا ۱۰۰۰ نفر در منطقه باقی‌مانده‌اند (UN News, 2023). این کاهش شدید جمعیت، معیار جمعیت دائمی را تا می ۲۰۲۵ میلادی عملاً منتفی کرده است.

<sup>1</sup>. de facto state

<sup>2</sup>. Montevideo Convention

قلمرو مشخص: آرتساخ تا جنگ دوم قره‌باغ کنترل بخش‌هایی از ناگورنو - قره‌باغ و مناطق اطراف را داشت. توافق آتش‌بس ۹ نوامبر ۲۰۲۰ میلادی مناطق اطراف را به جمهوری آذربایجان بازگرداند، و عملیات ۲۰۲۳ میلادی کنترل کامل قره‌باغ را به باکو واگذار کرد (ICG, 2021: 7-9). این امر قلمرو آرتساخ را کاملاً محو کرده و معیار قلمرو مشخص را از بین برده است.

دولت مؤثر: تا سپتامبر ۲۰۲۳ میلادی، آرتساخ دارای پارلمان، دولت محلی و نظام قضایی بود اما وابستگی شدید به ارمنستان کارایی آن را محدود می‌کرد. پس از عملیات ۲۰۲۳ میلادی، جمهوری آذربایجان تمام نهادهای آرتساخ را منحل کرد، و دولت مؤثر آن از بین رفت (ICG, 2023: 8-10).

روابط بین‌المللی: آرتساخ هیچ‌گاه توسط دولت‌های عضو سازمان ملل، حتی ارمنستان، به رسمیت شناخته نشد. انحلال آن در ژانویه ۲۰۲۴ میلادی این معیار را کاملاً منتفی کرد (Crawford, 2006: 114-117).

با توجه به این معیارها، آرتساخ دیگر حتی یک دولت خودخوانده نیست و جایگاه حقوقی‌اش به یک موضوع تاریخی تبدیل شده است. تا می ۲۰۲۵ میلادی، فقدان جمعیت، قلمرو، و نهادهای حکومتی، بحث دولت‌سازی را در قره‌باغ بی‌معنا کرده است. شناسایی بین‌المللی، اگرچه در کنوانسیون مونته‌ویدئو الزامی نیست، اما برای مشروعیت و کارکرد دولت‌ها تعیین‌کننده است (Shaw, 2021: 45-48). آرتساخ، حتی در دوره اوج کنترل خود، از سوی هیچ دولت عضو سازمان ملل به رسمیت شناخته نشد. قطعنامه‌های شورای امنیت با تأکید بر تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان، اعلام استقلال آرتساخ را غیرقانونی دانستند (United Nations Security Council, 1993). این موضع پس از عملیات ۲۰۲۳ میلادی که کنترل کامل منطقه را به جمهوری آذربایجان بازگرداند، مورد تأیید جامعه جهانی قرار گرفت (ICG, 2023: 8-10).

ارامنه قره‌باغ با استناد به خشونت‌های قومی در سومقاییت و باکو، ادعای خودمختاری یا استقلال را به اصل حق تعیین سرنوشت گره زدند (Kalin, 2011: 56-58). اما حقوق بین‌الملل جدایی‌طلبی را تنها در موارد استثنایی، مانند سرکوب شدید و سیستماتیک اقلیت‌ها، مشروع می‌داند. گزارشگر کمیسر عالی حقوق بشر در ۲۰۲۱ میلادی شواهد کافی برای چنین سرکوبی ارائه نکرد که ادعای حقوقی آرتساخ را تضعیف کرد (UNHCHR, 2021: 12-16). تا می ۲۰۲۵ میلادی، با انحلال آرتساخ، این ادعاها دیگر موضوعیت حقوقی ندارند و بحث به حقوق اقلیت‌ها و آوارگان تغییر جهت داده است.

جنگ دوم قره‌باغ جایگاه حقوقی آرتساخ را به‌شدت متزلزل کرد. ترکیه با تأمین پهپادهای بایراکتر TB2 به جمهوری آذربایجان، بازپس‌گیری مناطق اشغالی را تسهیل کرد که با اصل تمامیت ارضی (ماده ۲(۴) منشور سازمان ملل) و قطعنامه‌های 822, 853, 874, 884, 1993 شورای امنیت همخوانی داشت و قلمرو تحت کنترل آرتساخ را کاهش داد. این اقدام، معیار قلمرو آرتساخ را تضعیف کرد و جمهوری آذربایجان با حمایت نظامی ترکیه و استفاده از پهپادهای پیشرفته، مناطق اطراف قره‌باغ و بخش‌هایی از خود منطقه را بازپس گرفت.

توافق آتش‌بس ۹ نوامبر ۲۰۲۰ میلادی، امضاشده توسط الهام علی‌اف<sup>۱</sup>، نیکول پاشینیان<sup>۲</sup>، و ولادیمیر پوتین<sup>۳</sup>، آرتساخ را به منطقه‌ای کوچک تحت حفاظت ۲۰۰۰ نیروی حافظ صلح روسیه محدود کرد. این توافق که آرتساخ را به رسمیت نشناخت، عملاً آن را به حاشیه راند (ICG, 2021: 7-9).

عملیات نظامی ۲۰۲۳ میلادی که به بهانه اقدامات ضدتروریستی انجام شد، پایان آرتساخ را رقم زد. محاصره اقتصادی کریدور لاجین از دسامبر ۲۰۲۲ میلادی که دسترسی به غذا، دارو، و سوخت را قطع کرد، شرایط غیرانسانی ایجاد کرد (UN News, 2023). این محاصره، همراه با حملات ۲۰۲۳ میلادی، به آوارگی بیش از ۱۰۰,۰۰۰ ارمنی منجر شد. انحلال رسمی آرتساخ در ۱ ژانویه ۲۰۲۴ میلادی، اعلام‌شده توسط مقامات محلی تحت فشار جمهوری آذربایجان، پایان این نهاد را تأیید کرد (ICG, 2023: 8-10). تا می ۲۰۲۵ میلادی، منطقه خالی از ارامنه است، و جمهوری آذربایجان برنامه‌های بازسازی و اسکان آوارگان آذری را پیش می‌برد. تحولات ۲۰۲۳ میلادی به دعوی حقوقی در دیوان بین‌المللی دادگستری منجر شد. ارمنستان در ۲۰۲۳ میلادی پرونده‌ای علیه جمهوری آذربایجان تحت کنوانسیون محو تبعیض نژادی<sup>۴</sup> مطرح کرد و باکو را به نقض حقوق ارامنه از طریق محاصره، آوارگی، و تخریب اماکن فرهنگی متهم نمود. (ICJ, 2023). جمهوری آذربایجان نیز پرونده متقابلی علیه ارمنستان به دلیل نقض حقوق آذری‌ها در دوره اشغال سال‌های ۱۹۹۲-۲۰۲۰ میلادی ثبت کرد. جلسات استماع در اکتبر ۲۰۲۳ میلادی برگزار شد، اما تا می ۲۰۲۵ میلادی رأی نهایی صادر نشده است. رأی مشورتی ICJ درباره کوزوو<sup>۵</sup> اعلام کرد که اعلام استقلال یک‌جانبه لزوماً نقض حقوق بین‌الملل نیست، اما شناسایی آن به تصمیم دولت‌ها بستگی دارد (ICJ, 2010: para. 84). این رأی برای آرتساخ، که فاقد شناسایی بود، کاربرد محدودی دارد.

<sup>1</sup>. Ilham Aliyev

<sup>2</sup>. Nikol Pashinyan

<sup>3</sup>. Vladimir Putin

<sup>4</sup>. International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination

<sup>5</sup>. Kosovo

تا می ۲۰۲۵ میلادی، ناگورنو-قره‌باغ تحت کنترل کامل جمهوری آذربایجان است. گزارش یونسکو در سال ۲۰۲۳ میلادی نشان داد که زیرساخت‌های غیرنظامی منطقه آسیب جدی ندیده‌اند اما تخریب برخی اماکن فرهنگی ارمنی گزارش شده است. در مقابل، تخریب اماکن فرهنگی آذری در دوره اشغال نیز در دعاوی حقوقی مطرح است. گروه مینسک پس از سال ۲۰۲۳ میلادی غیرفعال شد، زیرا جمهوری آذربایجان مذاکرات را به نفع کنترل نظامی کنار گذاشت (ICG, 2023: 10-12). این وضعیت نشان‌دهنده محدودیت‌های میانجی‌گری بین‌المللی در منازعات جدایی‌طلبانه است.

وضعیت کنونی قره‌باغ، با تسلط کامل جمهوری آذربایجان، منازعه را به مسائل حقوق بشری و آوارگی سوق داده است. آوارگی آرامنه در سال ۲۰۲۳ میلادی که ارمنستان آن را پاکسازی قومی می‌نامد، از منظر حقوقی پیچیده است. تعریف پاکسازی قومی در ماده ۷ اساسنامه رم که جایبایی اجباری در حمله سیستماتیک است، نیازمند اثبات قصد عمدی است، اما گزارش‌های سازمان ملل شواهد کافی برای آن ارائه نکرده‌اند (UN News, 2023). جمهوری آذربایجان مدعی است که آرامنه داوطلبانه منطقه را ترک کردند و امکان بازگشت برای پذیرش کنندگان شهروندی فراهم است (ICG, 2023: 10-12). با این حال، فقدان حضور ارمنی در منطقه، بازگشت را غیرمتمم کرده است.

ادعای پاکسازی قومی در مورد آوارگی حدود ۱۰۰,۰۰۰ ارمنی از ناگورنو-قره‌باغ پس از عملیات نظامی جمهوری آذربایجان در ماه سپتامبر سال ۲۰۲۳ میلادی نیازمند بررسی دقیق حقوقی بر اساس ماده ۷ اساسنامه رم دیوان کیفری بین‌المللی است که جنایت علیه بشریت را به‌عنوان اعمالی نظیر اخراج یا انتقال اجباری جمعیت (ماده ۷(۱)(d)) تعریف می‌کند، مشروط بر اینکه بخشی از یک حمله گسترده یا سیستماتیک علیه غیرنظامیان با علم و قصد عمدی انجام شود (ICC, 1998; Schabas, 2010: 167-170). برای احراز این جنایت، باید سه عنصر اثبات شود: (۱) حمله‌ای گسترده یا سیستماتیک علیه غیرنظامیان، (۲) قصد عمدی برای اخراج یا حذف گروه قومی، و (۳) سیاست سازمان‌یافته یا برنامه‌ریزی‌شده (Cassese, 2005: 128-130). گزارش‌های سازمان ملل (UNHCHR, 2023: 8-12) تأیید می‌کنند که مهاجرت گسترده آرامنه در پی عملیات نظامی رخ داد، اما شواهد روشنی از یک سیاست برنامه‌ریزی‌شده برای اخراج قومی ارائه نمی‌دهند و بخشی از مهاجرت را ناشی از ترس غیرنظامیان از خشونت و ناامنی توصیف می‌کنند. گروه بین‌المللی بحران (International Crisis Group, 2023: 10-12) نیز این مهاجرت را عمدتاً واکنشی به شرایط جنگی می‌داند، نه لزوماً نتیجه یک سیاست هدفمند. فقدان اسناد رسمی، اظهارات علنی مقامات آذربایجانی، یا شواهد مستقیم از قصد قومی، احراز عنصر «قصد عمدی» را دشوار می‌کند. با توجه

به شواهد موجود، اقدامات جمهوری آذربایجان در ۲۰۲۳ میلادی به دلیل فقدان اثبات سیاست سیستماتیک و قصد قومی، با تعریف جنایت علیه بشریت در ماده ۷ اساسنامه رم مطابقت ندارد، هرچند تحقیقات تکمیلی توسط نهادهای بین‌المللی مانند دیوان کیفری بین‌المللی برای بررسی دقیق‌تر این ادعا ضروری است.

بازسازی منطقه توسط جمهوری آذربایجان، شامل افتتاح فرودگاه لاجین و اسکان آوارگان آذری، با حق بازگشت مطابق ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر همخوانی دارد. اما حفاظت از حقوق اقلیت‌های احتمالی و جلوگیری از تبعیض برای صلح پایدار ضروری است (UNHCHR, (2023: 8-12). دعوی دیوان بین‌المللی دادگستری ممکن است نقض‌های حقوق بشری را روشن کند، اما با توجه به کنترل کامل جمهوری آذربایجان، بعید است وضعیت منطقه را تغییر دهند به طور کل انحلال آرتساخ در سال ۲۰۲۴ میلادی و تسلط جمهوری آذربایجان بر قره‌باغ، جایگاه حقوقی این نهاد خودخوانده را به موضوعی تاریخی تبدیل کرده است. فقدان شناسایی، محو قلمرو و دولت مؤثر، و آوارگی ارامنه، منازعه را به مسائل حقوق بشری و بازسازی سوق داده است. تا می ۲۰۲۵ میلادی، چالش‌های حقوقی شامل دعوی دیوان بین‌المللی دادگستری، حفاظت از حقوق اقلیت‌ها، و مدیریت آوارگی است. این تحلیل زمینه را برای بررسی نقض‌های حقوق بشر دوستانه در بخش بعدی فراهم می‌کند.

### حقوق بشردوستانه و حقوق بشر در منازعه قره‌باغ با تأکید بر دوران پس از جنگ

منازعه ناگورنو - قره‌باغ که دهه‌ها میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان ادامه داشته، با نقض‌های متعدد حقوق بشردوستانه بین‌المللی و حقوق بشر همراه بوده است. این نقض‌ها که به‌ویژه در عملیات نظامی یک‌روزه در سال ۲۰۲۳ میلادی رخ داده‌اند، ابعاد حقوقی پیچیده‌ای دارند.

جنگ اول قره‌باغ (۱۹۹۲-۱۹۹۴): این جنگ با نقض‌های گسترده حقوق بشردوستانه توسط هر دو طرف همراه بود. ماده ۳ مشترک کنوانسیون‌های ژنو (۱۹۴۹) و ماده ۴۸ پروتکل الحاقی اول (۱۹۷۷) بر حفاظت از غیرنظامیان و تمایز میان اهداف نظامی و غیرنظامی تأکید دارند (ICRC, (2016: 23-25). قتل عام خوجالی<sup>۱</sup> که در آن نیروهای ارمنی حدود ۶۰۰ غیرنظامی آذری را کشتند، نقض آشکار ماده ۳ مشترک که ممنوعیت قتل غیرنظامیان است و ماده ۵۱(۴) پروتکل الحاقی اول که ممنوعیت حملات بی‌رویه است (International Crisis Group, 2021: 3-5). حملات نیروهای آذربایجانی به استپاناکرت که صدها غیرنظامی ارمنی را کشت، نیز نقض اصل تمایز محسوب

<sup>۱</sup>. Khojaly massacre

می‌شود. (UNHCHR, 2021: 12-16) آوارگی گسترده، شامل ۷۰۰,۰۰۰ آذری و ۴۰۰,۰۰۰ ارمنی، نقض ماده ۱۷ پروتکل الحاقی دوم تأکید بر ممنوعیت جابه‌جایی اجباری غیرنظامیان بود (Kälin, 2011: 56-58).

جنگ دوم قره‌باغ: این درگیری ۴۴ روزه با استفاده از تسلیحات پیشرفته همراه بود. حملات جمهوری آذربایجان به استپاناکرت که حدود ۵۰,۰۰۰ غیرنظامی را در معرض خطر قرار داد، اصل تناسب را زیر سؤال برد (ICRC, 2020: 15-18). گزارش‌ها از کشته‌شدن ۱۱ غیرنظامی در حملات پهبادی حکایت دارند. نیروهای ارمنی نیز با حمله به شهرهای غیرنظامی آذری، مانند گنجه که ۲۶ غیرنظامی را کشت، ماده ۵۱(۴) را نقض کردند. استفاده از مهمات خوشه‌ای توسط هر دو طرف نقض پروتکل‌های حقوق بشردوستانه بود (UNHCHR, 2021: 12-16). این جنگ به آوارگی حدود ۹۰,۰۰۰ ارمنی و ۴۰,۰۰۰ آذری منجر شد (ICG, 2021: 7-9). همچنین در عملیات نظامی سال ۲۰۲۳ میلادی جمهوری آذربایجان که به کنترل کامل قره‌باغ و انحلال آرتساخ منجر شد، نقض‌های حقوق بشردوستانه و حقوق بشر را به همراه داشت. محاصره کریدور لاجین، که دسترسی ۱۲۰,۰۰۰ ارمنی به غذا، دارو، و سوخت را قطع کرد، به‌عنوان نقض احتمالی ماده ۵۴ پروتکل الحاقی اول، ممنوعیت گرسنگی‌دادن به غیرنظامیان، مطرح شده است (UN News, 2023). گزارش سازمان ملل از سوء‌تغذیه گسترده، مرگ چندین غیرنظامی به دلیل نبود مراقبت‌های پزشکی و شرایط غیرانسانی حکایت دارد (UNHCHR, 2023: 6-8). جمهوری آذربایجان این محاصره را نتیجه اقدامات غیرنظامی فعالان محیط‌زیست دانست اما گزارش‌های بین‌المللی تأثیرات شدید آن بر غیرنظامیان را تأیید می‌کنند (ICG, 2023: 8-10).

حملات نظامی ۲۰۲۳ میلادی که حدود ۲۰ غیرنظامی ارمنه را کشت، ممکن است نقض اصل تمایز<sup>۱</sup> باشد. آوارگی بیش از ۱۰۰,۰۰۰ ارمنی که ارمنستان آن را پاک‌سازی قومی نامیده، نقض احتمالی ماده ۴۹ کنوانسیون ژنو چهارم، ممنوعیت جابه‌جایی اجباری، است (UN News, 2023). جمهوری آذربایجان مدعی خروج داوطلبانه ارمنه است اما گزارش‌های سازمان ملل نشان می‌دهند که این خروج تحت فشار محاصره و حملات نظامی رخ داد (UNHCHR, 2023: 6-8). فقدان شواهد کافی برای اثبات قصد عمدی جابه‌جایی اجباری، این ادعا را از منظر حقوقی مبهم نگه داشته است.

وضعیت حقوقی کنونی و چالش‌های دوران پس از جنگ: تا می ۲۰۲۵ میلادی، ناگورنو - قره‌باغ تحت کنترل کامل جمهوری آذربایجان قرار دارد، و آرتساخ منحل شده است. این تحولات، با

<sup>۱</sup>. The principle of discrimination

قطعنامه‌های شورای امنیت ( UNSC Res. 822, 853, 874, 884, 1993) همسو بوده و حاکمیت ملی جمهوری آذربایجان را تثبیت کرده است. با این حال، دوران پس از جنگ با چالش‌های حقوقی متعددی همراه است.

آوارگی بیش از ۱۰۰,۰۰۰ ارمنی در ۲۰۲۳ میلادی یکی از جدی‌ترین مسائل حقوق بشری کنونی است. این آوارگان، که عمدتاً در ارمنستان ساکن شده‌اند، با کمبود غذا، سرپناه، و مراقبت‌های پزشکی مواجه‌اند که نقض حق حیات، سرپناه، و سلامت، مواد ۳، ۱۱، و ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر، را مطرح می‌کند (UNHCHR, 2023: 6-8). ارمنستان این آوارگی را پاکسازی قومی نامیده اما تعریف حقوقی پاکسازی قومی در ماده ۷ اساسنامه رم، جایجایی اجباری در حمله سیستماتیک، نیازمند اثبات قصد عمدی است. گزارش‌های سازمان ملل شواهد کافی برای این قصد ارائه نکرده‌اند و خروج ارمنه را عمدتاً داوطلبانه تحت فشار شرایط جنگی توصیف می‌کنند (UN News, 2023).

جمهوری آذربایجان امکان بازگشت ارمنه‌ای که شهروندی این کشور را بپذیرند فراهم کرده، اما فقدان حضور ارمنی در منطقه و بی‌اعتمادی عمیق، بازگشت را غیرمحمّل کرده است (ICG, 2023: 10-12). از سوی دیگر، آوارگی ۷۰۰,۰۰۰ آذری در سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۴ میلادی که نتیجه اشغال غیرقانونی بود، نقض حقوق بشر توسط ارمنستان محسوب می‌شود. اسکان مجدد آوارگان آذری در قره‌باغ که تا می ۲۰۲۵ میلادی آغاز شده، با حق بازگشت، ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر، سازگار است. همچنین تخریب ادعایی اماکن فرهنگی ارمنی، مانند کلیسای غازانتچتسوتس<sup>۱</sup> در شوشا<sup>۲</sup>، نقض احتمالی ماده ۸ کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی<sup>۳</sup> است (UNESCO, 2023: 8-12). ارمنستان این تخریب‌ها را در پرونده دیوان بین‌المللی دادگستری مطرح کرده اما گزارش یونسکو بازسازی برخی اماکن را تأیید می‌کند که ادعاها را تضعیف می‌کند. در مقابل، تخریب سیستماتیک مساجد و اماکن فرهنگی آذری در دوره اشغال نیز نقض مشابهی توسط ارمنستان بود (ICG, 2023: 6-8). این موضوع دوجانبه نشان‌دهنده نیاز به نظارت بین‌المللی برای حفاظت از میراث فرهنگی در دوران پس از جنگ است. لازم به ذکر است که دعاوی متقابل ارمنستان و جمهوری آذربایجان در دیوان بین‌المللی دادگستری تحت کنوانسیون محو تبعیض نژادی (ICERD, 1965) ادامه دارد. ارمنستان در سال ۲۰۲۳ میلادی جمهوری آذربایجان را به نقض حقوق ارمنه از طریق محاصره، آوارگی، و تخریب میراث فرهنگی متهم کرد، در حالی که جمهوری آذربایجان ارمنستان را به نقض حقوق آذری‌ها در دوره اشغال متهم نمود (ICJ, 2023).

<sup>۱</sup>. Ghazanchetsots Cathedral

<sup>۲</sup>. Shusha

<sup>۳</sup>. Convention for the safeguarding of the intangible cultural heritage

جلسات استماع در اکتبر ۲۰۲۳ میلادی برگزار شد، اما تا می ۲۰۲۵ میلادی رأی نهایی صادر نشده است. در دادگاه حقوق بشر اروپا، پرونده‌های متعددی نقض حق حیات، مالکیت، و رفتار غیرانسانی را بررسی می‌کنند. این دعاوی ممکن است مسئولیت‌ها را روشن کنند، اما تسلط نظامی و حقوقی جمهوری آذربایجان اجرای احکام علیه باکو را دشوار کرده است.

همچنین جمهوری آذربایجان برنامه‌های گسترده‌ای برای بازسازی قره‌باغ آغاز کرده، شامل افتتاح فرودگاه لاپین، احداث جاده‌ها و اسکان آوارگان آذری این اقدامات با تعهدات حقوق بشری، از جمله حق بازگشت، سازگارند. باین حال، حفاظت از حقوق احتمالی اقلیت‌ها، به‌ویژه ارمنه‌ای که ممکن است بازگردند، چالش حقوقی مهمی است. ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی و سیاسی حقوق اقلیت‌ها به فرهنگ، زبان، و مذهب را تضمین می‌کند (UNHCHR, 2023: 8-12) فقدان مکانیسم‌های نظارتی برای جلوگیری از تبعیض، صلح پایدار را تهدید می‌کند.

بازداشت رهبران آرتساخ، مانند روبن واردانیان<sup>۱</sup>، توسط آذربایجان به اتهام ترور بسم و جدایی طلبی توسط ارمنستان محکوم شده و این کشور این بازداشت‌ها را سیاسی می‌داند که نیازمند بررسی حقوقی مستقل است. به طور کل دوران پس از جنگ قره‌باغ نشان‌دهنده پیروزی اصل تمامیت ارضی (ماده ۲(۴) منشور سازمان ملل) است، اما محدودیت‌های حقوق بین‌الملل در حفاظت از اقلیت‌ها و مدیریت آوارگی را نیز آشکار می‌کند (Shaw, 2021: 45-48). آوارگی ارمنه، اگرچه تحت فشار شرایط جنگی رخ داد، به دلیل فقدان قصد عمدی، به‌عنوان پاک‌سازی قومی طبقه‌بندی نمی‌شود (UN News, 2023). باین حال، نقض حق مالکیت و سرپناه آوارگان نیازمند جبران خسارات است. بازسازی منطقه توسط جمهوری آذربایجان، اگرچه مشروع است، باید با رعایت حقوق اقلیت‌ها و نظارت بین‌المللی همراه باشد تا از تنش‌های قومی جدید جلوگیری شود (UNHCHR, 2023: 8-12). دعاوی حال حاضر فرصت‌هایی برای پاسخگویی حقوقی فراهم می‌کنند، اما اجرای احکام در برابر کشوری با تسلط کامل نظامی چالش‌برانگیز است. گروه مینسک که از سال ۱۹۹۲ میلادی میانجی‌گری می‌کرد، پس از ۲۰۲۳ غیرفعال شد که نشان‌دهنده ناکارآمدی میانجی‌گری بین‌المللی در شرایط کنونی است (ICG, 2023: 10-12). این وضعیت ضرورت بازنگری در مکانیسم‌های حقوقی بین‌المللی برای مدیریت منازعات پس از جنگ را برجسته می‌کند.

پیامدهای پس از درگیری قره‌باغ شامل بی‌اعتمادی عمیق میان جوامع ارمنی و آذری، آوارگی گسترده و فقدان گفت‌وگوی سیاسی است. از منظر حقوقی، چالش‌های کنونی عبارت‌اند از: ۱. جبران خسارات آوارگان: فقدان مکانیسم‌های جبران خسارات برای ارمنه و آذری‌های آواره

<sup>۱</sup>. Ruben Vardanyan

نقض حق مالکیت (ماده ۱ پروتکل اول ECHR) است؛ ۲. حفاظت از اقلیت‌ها: بازگشت احتمالی آرامنه نیازمند تضمین حقوق فرهنگی و زبانی است (UNHCHR, 2023: 8-12) و؛ ۳. نظارت بین‌المللی: نبود نهادهای نظارتی، مانند دفتر حقوق بشر دوستانه در منطقه، خطر نقض‌های جدید را افزایش می‌دهد.

چشم‌انداز حقوقی به توانایی جامعه جهانی در ایجاد مکانیسم‌های پاسخگویی و نظارت بستگی دارد. نمونه تیمور شرقی نشان داد که نظارت سازمان ملل می‌تواند تنش‌ها را کاهش دهد. (Chesterman, 2004: 67-70). در قره‌باغ، فقدان چنین مکانیسم‌هایی صلح پایدار را تهدید می‌کند.

**راهکارهای حقوقی و نوآورانه برای حل منازعه قره‌باغ با تأکید بر دوران پس از درگیری**  
در منازعه ناگورنو - قره‌باغ آوارگی بیش از ۱۰۰,۰۰۰ ارمنی، نیاز به بازسازی منطقه، حفاظت از حقوق اقلیت‌ها، جبران خسارات قربانیان، حفظ عرف فرهنگی و بازسازی اعتماد میان جوامع ارمنی و آذری، مسائل محوری این دوره هستند (بصیری‌نیا و صباغ‌زاده، ۱۴۰۲: ۱۱۰).

حقوق بین‌الملل، از جمله اصول حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی و سیاسی، حقوق بشردوستانه و عدالت انتقالی، چارچوبی برای مدیریت این چالش‌ها فراهم می‌کند (Cassese, 2005: 59-62).  
باین‌حال، موفقیت هر راهکار به تعادل میان حاکمیت ملی جمهوری آذربایجان و حقوق بشری جوامع آسیب‌دیده، به‌ویژه آرامنه، بستگی دارد. این بخش با تحلیل دقیق حقوقی و الهام از مدل‌های موفق جهانی، مانند توافق آلاند، پیمان جمعه نیک<sup>۱</sup> و بازسازی تیمور شرقی<sup>۲</sup> راهکارهای نوآورانه‌ای ارائه می‌دهد. این راهکارها نه تنها به مسائل کنونی پاسخ می‌دهند، بلکه چارچوبی برای صلح پایدار و الگویی برای منازعات مشابه در جهان ارائه می‌کنند.

آوارگی گسترده بیش از ۱۰۰,۰۰۰ ارمنی در پی عملیات نظامی سال ۲۰۲۳ میلادی و محاصره کریدور لاجین که گزارش‌های کمیساریای عالی حقوق بشر سازمان ملل (UNHCHR, 2023: 6-8) آن را نتیجه فشارهای نظامی و اقتصادی می‌داند، نقض احتمالی حق مالکیت و حق سرپناه مطرح می‌کند. به‌طور مشابه، آوارگی حدود ۷۰۰,۰۰۰ آذری در جنگ اول قره‌باغ نقض حقوق مشابهی توسط نیروهای ارمنی بود. برای رسیدگی به این نقض‌های دوجانبه، پیشنهاد می‌شود یک صندوق جبران خسارات دوجانبه منطقه‌ای تأسیس شود که به‌طور خاص برای قره‌باغ طراحی شده است.

<sup>۱</sup>. Good Friday Agreement

<sup>۲</sup>. Timor-Leste

این صندوق خسارات مادی، اموال از دست رفته و غیرمادی، آسیب‌های روانی و اجتماعی، هر دو جامعه ارمنی و آذری را پوشش می‌دهد. مدیریت آن توسط کمیته‌ای بین‌المللی متشکل از نمایندگان سازمان ملل، سازمان‌های غیردولتی بی‌طرف، و کارشناسان منطقه‌ای انجام می‌شود تا شفافیت و بی‌طرفی تضمین گردد. منابع مالی از درآمدهای پروژه‌های بازسازی جمهوری آذربایجان مانند توسعه زیرساخت‌های لاجین، کمک‌های بین‌المللی از نهادهایی مانند اتحادیه اروپا و بانک جهانی و مشارکت محدود ارمنستان تأمین می‌شود. نوآوری این راهکار در رویکرد دوجانبه و تمرکز بر جبران خسارات هر دو جامعه است که با نظریه عدالت انتقالی هم‌راستا بوده و اعتمادسازی اجتماعی را از طریق جبران عادلانه تقویت می‌کند.

همچنین حفاظت از حقوق اقلیت‌های ارمنی در قره‌باغ، به‌ویژه برای کسانی که ممکن است به منطقه بازگردند، با توجه به فقدان حضور آرامنه تا ماه می ۲۰۲۵ سال میلادی و بی‌اعتمادی عمیق (ICG, 2023: 10-12)، یک چالش حقوقی کلیدی است. ماده ۲۷ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR, 1966) حقوق اقلیت‌ها به حفظ فرهنگ، زبان و مذهب را تضمین می‌کند. برای پاسخ به این نیاز، پیشنهاد می‌شود یک چارچوب خودمختاری فرهنگی - محلی محدود ایجاد شود که به‌طور خاص برای شرایط کنونی قره‌باغ طراحی شده است.

این چارچوب شامل تشکیل شوراهای محلی با مشارکت نمایندگان ارمنی برای مدیریت آموزش به زبان ارمنی، حفاظت از اماکن مذهبی مانند کلیساها تحت نظارت یونسکو، و اجرای برنامه‌های فرهنگی مشترک با جامعه آذری است. این مدل به امور فرهنگی و محلی محدود می‌شود تا با اصل تمامیت ارضی سازگار بماند و درعین‌حال حق تعیین سرنوشت داخلی (UNGA Res. 2625, 1970) را پاسخ دهد. نوآوری این پیشنهاد در طراحی بومی‌سازی شده و تأکید بر مشارکت محلی آرامنه تحت نظارت بین‌المللی است که تنش‌های قومی را کاهش می‌دهد.

از سویی دیگر تخریب ادعایی اماکن فرهنگی، مانند کلیسای غازانچتسوتس<sup>۱</sup> در شوشی<sup>۲</sup> و مساجد آذری در دوره اشغال، نقض احتمالی ماده ۴ کنوانسیون حفاظت از میراث فرهنگی (UNESCO, 1954) را مطرح می‌کند (UNESCO, 2023: 8-12). برای رفع این چالش، پیشنهاد می‌شود یک مأموریت دائمی یونسکو در قره‌باغ مستقر شود که به‌طور خاص برای شرایط پساجنگ منطقه طراحی شده است.

این مأموریت وظایف سه‌گانه‌ای دارد: (۱) نظارت بر بازسازی اماکن فرهنگی ارمنی و آذری، (۲) ثبت این اماکن در فهرست میراث جهانی یونسکو، و (۳) اجرای برنامه‌های آموزشی چندفرهنگی

<sup>۱</sup>. Ghazanchetsots Cathedral

<sup>۲</sup>. Shushi

برای ترویج ارزش‌های مشترک. این برنامه‌ها هویت فرهنگی مشترک را تقویت کرده و تنش‌های قومی را کاهش می‌دهند. نوآوری این راهکار در ترکیب بازسازی فرهنگی با آموزش چندفرهنگی و نظارت دائمی است که حس وحدت را در منطقه تقویت می‌کند.

همچنین بی‌اعتمادی عمیق میان جوامع ارمنی و آذری، ریشه‌دار در خشونت‌های قومی گذشته و آوارگی سال ۲۰۲۳ میلادی، مانع اصلی صلح پایدار است (International Crisis Group, 2021: 9-12). برای رفع این بی‌اعتمادی، پیشنهاد می‌شود یک کمیسیون حقیقت و آشتی منطقه‌ای تأسیس شود که به‌طور خاص برای تاریخ منازعه قره‌باغ طراحی شود.

این کمیسیون، با مشارکت نمایندگان بی‌طرف از جمهوری آذربایجان، ارمنستان و سازمان ملل، نقض‌های حقوق بشر در جنگ سال‌های ۱۹۹۲-۱۹۹۴، ۲۰۲۰، و ۲۰۲۳ میلادی را مستند می‌کند، جلسات عمومی برای شنیدن روایت‌های قربانیان برگزار می‌کند و مکانیسم‌های جبران غیرمالی مانند عذرخواهی رسمی و بناهای یادبود مشترک ارائه می‌دهد. نوآوری این راهکار در پوشش جامع تاریخ منازعه و تأکید بر گفت‌وگوی منطقه‌ای است که با ماده ۵۵ منشور سازمان ملل هم‌راستا بوده و اعتمادسازی اجتماعی را تسهیل می‌کند.

نکته‌ای دیگر ضرورت نظارت بین‌المللی برای تضمین اجرای راهکارها و جلوگیری از نقض‌های جدید حقوق بشر است. ماده ۵۵ منشور سازمان ملل و تعهدات کمیساریای عالی حقوق بشر (UNHCHR, 2023: 16-18) نظارت بر حقوق بشر را الزامی می‌کنند. پیشنهاد می‌شود یک دفتر منطقه‌ای کمیساریای عالی حقوق بشر در قفقاز جنوبی مستقر شود که به‌طور خاص برای نظارت بر وضعیت کنونی قره‌باغ طراحی شده است.

این دفتر بر حقوق اقلیت‌ها، توزیع عادلانه منابع بازسازی و شرایط آوارگان ارمنی در ارمنستان نظارت می‌کند و گزارش‌های دوره‌ای منتشر می‌کند. نوآوری این پیشنهاد در همکاری با کشورهای منطقه مانند ایران و گرجستان، روسیه و حتی ترکیه برای افزایش پذیرش محلی و تقویت شفافیت است که اعتماد جامعه جهانی را جلب می‌کند.

همچنین دعاوی متقابل ارمنستان و جمهوری آذربایجان در دیوان بین‌المللی دادگستری تحت کنوانسیون محو تبعیض نژادی (ICERD, 1965) و پرونده‌های دیوان اروپایی حقوق بشر پتانسیل پاسخگویی حقوقی دارند (ICJ, 2023). پیشنهاد می‌شود مجمع عمومی سازمان ملل درخواست یک رأی مشورتی از دیوان بین‌المللی دادگستری درباره تعادل میان اصل تمامیت ارضی و حقوق اقلیت‌ها در قره‌باغ کند. این رأی چارچوبی حقوقی برای مذاکرات سیاسی فراهم می‌کند. تسریع رسیدگی به پرونده‌های دیوان و فشار برای اجرای احکام دیوان اروپایی حقوق

بشر پاسخگویی را تقویت می‌کند. نوآوری این راهکار در استفاده از رأی مشورتی به‌عنوان ابزاری برای هدایت دیپلماسی است.

نکته قابل توجه این است که بازسازی زیرساختی جمهوری آذربایجان، مانند افتتاح فرودگاه لاجین، با حق بازگشت (ماده ۱۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر) سازگار است. پیشنهاد می‌شود پروژه‌های توسعه مشترک در حوزه‌های کشاورزی، گردشگری، و انرژی پاک ایجاد شوند که مشارکت اقتصادی آرامنه و آذری‌ها را تشویق می‌کنند. همچنین، برنامه‌های آموزشی چندفرهنگی برای کودکان، با ترویج ارزش‌های مشترک و آموزش تاریخ مشترک منطقه، حس وحدت را تقویت می‌کنند. نوآوری این راهکار در ترکیب توسعه اقتصادی و آموزش برای همزیستی مسالمت‌آمیز است. همچنین پیشنهاد می‌شود یک کمیته مستقل بین‌المللی با مشارکت کمیته بین‌المللی صلیب سرخ شرایط بازداشت‌شدگان را بررسی کرده و تبادل زندانیان را تسهیل کند. نوآوری این راهکار در تأکید بر بی‌طرفی و تبادل دوجانبه است.

نکته قابل توجه دیگر ناکامی گروه مینسک پس از سال ۲۰۲۳ میلادی است که نیاز به دیپلماسی جدید را برجسته می‌کند. پیشنهاد می‌شود یک بستر دیپلماتیک منطقه‌ای با مشارکت ترکیه، روسیه، ایران، گرجستان و قدرت‌های جهانی اتحادیه اروپا، ایالات متحده تأسیس شود که به‌طور خاص برای احیای گفت‌وگو در قره‌باغ طراحی شده است.

ترکیه، با حمایت از بازگرداندن حاکمیت سرزمینی جمهوری آذربایجان، می‌تواند باکو را به اجرای تعهدات ماده ۲۷ میثاق حقوق مدنی سیاسی که شامل حقوق فرهنگی، زبانی، و مذهبی اقلیت‌های ارمنی است، ترغیب کند و با دکترین حمایت از اقلیت‌ها همسو است. روسیه، با تجربه میانجی‌گری حقوقی مبتنی بر ماده ۵۵ منشور سازمان ملل و دکترین بی‌طرفی، می‌تواند کمیته‌ای حقوقی - سیاسی تحت نظارت یونسکو ایجاد کند تا مذاکرات چندجانبه برای بازسازی مناطق آسیب‌دیده و حفاظت از میراث فرهنگی را تسهیل نماید. این کمیته، با تکیه بر اصل عرفی حسن نیت (UNGA Res. 2625, 1970)، آشتی اجتماعی را پیش می‌برد. نقش ایران، به‌عنوان کشوری با روابط متوازن، در کاهش تنش‌ها کلیدی است. نوآوری این راهکار در ترکیب نقش‌آفرینی مثبت ترکیه و روسیه با دیپلماسی منطقه‌ای است که ثبات قفقاز جنوبی را تقویت می‌کند.

عملی بودن این راهکارها به عوامل زیر بستگی دارد: ۱. عهد سیاسی جمهوری آذربایجان: پذیرش خودمختاری محدود و نظارت بین‌المللی ممکن است با مقاومت مواجه شود، اما منافع دیپلماتیک مانند روابط با اتحادیه اروپا انگیزه ایجاد می‌کند؛ ۲. همکاری ارمنستان: تشویق آرامنه به بازگشت با توجه به بی‌اعتمادی چالش‌برانگیز است، اما حمایت بین‌المللی می‌تواند آن را تسهیل کند؛ ۳. حمایت مالی و سیاسی جهانی: تأمین مالی توسط سازمان ملل و بانک جهانی برای اجرای

صندوق جبران خسارات و پروژه‌های توسعه ضروری است؛ و؛ ۴. دیپلماسی منطقه‌ای: نقش کشورهای بی‌طرف مانند ایران و مشارکت ترکیه و روسیه در کاهش تنش‌ها کلیدی است. راهکارهای حقوقی نوآورانه ارائه‌شده که از تحلیل تحولات ۲۰۲۳-۲۰۲۵ میلادی و شرایط خاص قره‌باغ استخراج شده‌اند، با اصول حقوق بین‌الملل عمومی، حقوق بشر، و عدالت انتقالی هم‌راستا هستند. ترکیب صندوق جبران خسارات دوجانبه، خودمختاری فرهنگی-محلی، مأموریت دائمی یونسکو، کمیسیون حقیقت و آشتی، دفتر منطقه‌ای کمیساری عالی حقوق بشر، تقویت دعاوی حقوقی، پروژه‌های توسعه مشترک، کمیته نظارت بر بازداشت‌شدگان و بستر دیپلماتیک منطقه‌ای با نقش آفرینی ترکیه و روسیه، چارچوبی جامع برای صلح پایدار ارائه می‌دهد. این راهکارها نه تنها به نیازهای حقوقی و انسانی قره‌باغ پاسخ می‌دهند، بلکه با تقویت همکاری منطقه‌ای، ثبات قفقاز جنوبی را بهبود می‌بخشند و الگویی برای حل مناقشات قومی-سرزمینی مشابه در جهان ارائه می‌کنند.

چالش‌های اجرایی شامل بی‌اعتمادی عمیق، محدودیت‌های مالی و پیچیدگی دعاوی حقوقی هستند. با این حال، طراحی خاص این راهکارها برای شرایط کنونی قره‌باغ و تأکید بر بی‌طرفی و همکاری منطقه‌ای، امکان‌پذیری آن‌ها را افزایش می‌دهد.

### نتیجه‌گیری

تحولات اخیر در ناگورنو - قره‌باغ، شامل عملیات نظامی سپتامبر ۲۰۲۳، انحلال جمهوری خودخوانده آرتساخ و تثبیت کامل حاکمیت جمهوری آذربایجان تا مه ۲۰۲۵، نقطه عطفی تاریخی در یکی از پیچیده‌ترین منازعات قومی - سرزمینی قفقاز جنوبی محسوب می‌شوند. این تحولات، ضمن باز تأکید عملی بر اصل تمامیت ارضی و حاکمیت ملی، منازعه را از سطح یک بحران جدایی‌طلبانه به مجموعه‌ای از چالش‌های حقوقی، انسانی و اجتماعی در دوران پساجنگ ارتقاء داده‌اند. بازسازی منطقه و اسکان مجدد آوارگان آذری، ضمن احیای حقوق از دست‌رفته آنان و تحقق عدالت تاریخی، نشان‌دهنده عملیاتی‌شدن اصل حق بازگشت و حق مالکیت در چارچوب حقوق بین‌الملل انسانی و پناهندگان است. هم‌زمان، آوارگی گسترده بیش از ۱۰۰ هزار ارمنی، فقدان امنیت، محدودیت دسترسی به معیشت و خدمات اولیه و نگرانی‌های حقوقی مرتبط با مالکیت و امنیت فردی، ضرورت تدوین سیاست‌های جامع مبتنی بر تضمین حقوق بنیادین انسانی و حفاظت از حقوق اقلیت‌ها را برجسته می‌سازد. بهره‌گیری از تجارب بین‌المللی، از جمله خودمختاری فرهنگی و تضمین حقوق زبانی و مذهبی اقلیت‌ها، می‌تواند تعادلی سازنده میان حاکمیت ملی و حفظ هویت فرهنگی ارامنه ایجاد کند.

حفاظت برابر از میراث فرهنگی هر دو جامعه، پاسخگویی حقوقی در قبال نقض‌های گذشته، و اجرای برنامه‌های گفت‌وگو و توسعه مشترک، پیش‌شرط‌های ضروری برای بازسازی اعتماد و شکل‌گیری هم‌زیستی مسالمت‌آمیز هستند. این اقدامات، همراه با تضمین امنیت و مشارکت فرهنگی و اجتماعی اقلیت‌ها، نه تنها عدالت تاریخی را تقویت می‌کنند، بلکه ظرفیت ایجاد یک چارچوب پایدار برای صلح، ثبات و توسعه منطقه‌ای را نیز فراهم می‌سازند.

از منظر حقوق بین‌الملل، مدیریت این دوران پس‌اجنگ مستلزم تلفیق احترام به تمامیت ارضی، رعایت حقوق بنیادین انسانی، تضمین حقوق اقلیت‌ها، پاسخگویی قانونی و حفاظت از میراث فرهنگی است. در این چارچوب، ناگورنو - قره‌باغ در سال ۲۰۲۵ فرصتی تاریخی برای تبدیل شدن از نماد منازعه به الگویی برای صلح، هم‌زیستی و همکاری منطقه‌ای یافته است؛ الگویی که نه تنها ثبات قفقاز جنوبی را تقویت می‌کند، بلکه مسیر حل مسالمت‌آمیز دیگر منازعات قومی - سرزمینی در عرصه بین‌المللی را نیز روشن می‌سازد. افزون بر آن ثبات و صلح پایدار در این منطقه، تنها از مسیر تلفیق اصول حقوق بین‌الملل با واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی ممکن است. تجربه سال‌های اخیر آشکار کرده است که اجرای دقیق اصولی چون تمامیت ارضی، حق تعیین سرنوشت و منع مداخله در امور داخلی دولت‌ها، نیازمند اراده‌ای جمعی و نهادینه در میان بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی است.

در این میان، نقش سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا، و نیز قدرت‌های فرامنطقه‌ای در هدایت روند بازسازی حقوقی و سیاسی قفقاز جنوبی اهمیتی اساسی دارد در همین چارچوب، اقدامات اخیر دونالد ترامپ از جمله طرح موسوم به «تونل ترامپ»<sup>۱</sup> که به‌طور ادعایی باهدف توسعه مسیرهای ترانزیتی و انرژی در قفقاز جنوبی مطرح شده، در صورت فقدان شفافیت حقوقی و هماهنگی با نهادهای بین‌المللی می‌تواند به ابزار نفوذ یک‌جانبه و نقض اصول بنیادین حقوق بین‌الملل، از جمله احترام به حاکمیت ملی و اصل عدم مداخله، تبدیل شود. نگاه ابزاری به حقوق بین‌الملل و تلاش برای تحقق اهداف جغرافیای سیاسی از مسیر پروژه‌های اقتصادی، در نهایت موجب تضعیف اعتماد متقابل میان دولت‌ها و بی‌اعتبار شدن قواعد آمره بین‌المللی خواهد شد. از این رو، تجربه قره‌باغ بار دیگر نشان می‌دهد که صلح پایدار در مناطق منازعه خیز تنها زمانی دست‌یافتنی است که دولت‌ها و قدرت‌های فرامنطقه‌ای با پایبندی به اصول منشور ملل متحد، از سیاست‌های یک‌جانبه پرهیز کنند و در قالب همکاری‌های شفاف و متوازن به بازسازی و توسعه منطقه کمک نمایند.

<sup>۱</sup>. Trump Route for International Peace and Prosperity

## منابع و مأخذ

### فارسی

بصیری‌نیا، ع. و ا. صباغ‌زاده (۱۴۰۲). جنگ ۲۰۲۰ جمهوری آذربایجان-ارمنستان و حل مناقشه منجمد ناگورنو-قره‌باغ.

فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، (۱۲۳)، ۹۳-۱۱۲.

بهشتی‌پور، ح. (۱۳۹۹). جنگ قره‌باغ؛ گذشته، حال، آینده. مطالعات سیاست خارجی تهران، (۳۷)، ۱-۲۴. ضیائی بیگدلی، م. (۱۳۹۴). حقوق بین‌الملل عمومی. تهران، ایران: انتشارات گنج دانش.

فیض‌اللهی، م.، و ح. پوراحمدی میبیدی (۱۴۰۲). بازی با حاصل جمع صفر در قفقاز جنوبی (با تأکید بر جنگ قره‌باغ ۲۰۲۰). فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، (۱۲۳)، ۶۷-۹۲.

موحدی ساوجی، م. ح و س. ح لسانی (۱۴۰۲). تحلیل حقوقی تلاش‌های صلح‌جویانه بین‌المللی در بحران قره‌باغ. فصلنامه آسیای مرکزی و قفقاز، (۱۲۴)، ۱۵۱-۱۷۸.

### لاتین

Barros, J. (1968). **The Aland Islands Question: Its Settlement by the League of Nations**. New Haven, CT: Yale University Press.

Bell, C. (2000). **Peace Agreements and human Rights**. Oxford, United Kingdom: Oxford University Press.

Caspersen, N. (2012). **Unrecognized States: The Struggle for Sovereignty in the Modern International System**. Cambridge, United Kingdom: Polity Press.

Cassese, A. (2005). **International law (2nd ed.)**. Oxford, United Kingdom: Oxford University Press.

Chesterman, S. (2004). **You, the People: The United Nations, Transitional Administration, and State-building**. Oxford, United Kingdom: Oxford University Press.

Cornell, S. E. (2001). **Small Nations and Great Powers: A Study of Ethnopolitical Conflict in the Caucasus**. Richmond, United Kingdom: Curzon Press.

Crawford, J. (2006). **The Creation of States in International law (2nd ed.)**. Oxford, United Kingdom: Clarendon Press.

De Waal, T. (2010). **The Caucasus: An introduction**. Oxford, United Kingdom: Oxford University Press.

Hayner, P. (2011). **Unspeakable Truths: Transitional Justice and the Challenge of Truth Commissions**. New York, NY: Routledge.

International Committee of the Red Cross. (2016). **Commentary on the First Geneva Convention**. Geneva, Switzerland: International Committee of the Red Cross.

International Court of Justice. (1995). **East Timor (Portugal v. Australia) (Judgment)**. The Hague, Netherlands: International Court of Justice.

International Court of Justice. (2010). **Accordance with International law of the Unilateral Declaration of Independence in Respect of Kosovo (Advisory Opinion)**. The Hague, Netherlands: International Court of Justice.

International Court of Justice. (2023). **Armenia v. Azerbaijan (Case under CERD)**. The Hague, Netherlands: International Court of Justice.

- International Crisis Group. (2021). **The Nagorno-Karabakh Conflict: A Path to Peace** (ICG Report No. 264). Brussels, Belgium: International Crisis Group.
- International Crisis Group. (2023). **Nagorno-Karabakh after 2023: New Realities, New Challenges** (ICG Report No. 281). Brussels, Belgium: International Crisis Group.
- Kälin, W. (2011). **The Guiding Principles on Internal Displacement**. Geneva, Switzerland: UNHCR.
- Lynch, D. (2004). **Engaging Eurasia's Separatist States: Unresolved Conflicts and de facto States**. Washington, DC: United States Institute of Peace Press.
- Montevideo Convention on the Rights and Duties of States**, Dec. 26, 1933, 165 L.N.T.S. 19.
- Shaw, M. (2021). **International law** (9th ed.). Cambridge, United Kingdom: Cambridge University Press.
- Teitel, R. (2000). **Transitional justice**. Oxford, United Kingdom: Oxford University Press.
- UNESCO. (2023). **Report on Cultural Heritage in Nagorno-Karabakh**. Paris, France: UNESCO.
- United Nations Compensation Commission. (1991). **Report on Compensation Mechanisms**. Geneva, Switzerland: United Nations Compensation Commission.
- United Nations General Assembly. (1970). **Declaration on Principles of International Law Concerning Friendly Relations and Co-operation Among States in Accordance with the Charter of the United Nations** (Resolution 2625). New York, NY: United Nations General Assembly.
- United Nations High Commissioner for Human Rights. (2021). **Human Rights in the Occupied Territories of Azerbaijan**. Geneva, Switzerland: Office of the High Commissioner for Human Rights.
- United Nations High Commissioner for Human Rights. (2023). **Human Rights Situation in Nagorno-Karabakh**. Geneva, Switzerland: Office of the High Commissioner for Human Rights.
- United Nations News. (2025, May 31). **Mass Exodus from Nagorno-Karabakh**. <https://www.un.org/news>
- United Nations Security Council. (1993). **Resolutions 822, 853, 874, 884**. New York, NY: United Nations Security Council.